



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۲/۰۸/۱۶

محمد محق

تنش افراطگرایان،

عقربها همدیگر را می‌خورند

از روزی که طالبان به قدرت رسیده‌اند زد و خوردهای درونی گروه‌های افراطی افزایش یافته است. در تازه‌ترین مورد، ملا رحیم الله حقانی، یکی از ثنوری‌پردازان تروریسم، به دست یکی از جناح‌های افراطی رقیب به قتل رسید. او که ظاهراً به مکتب دیوبندی تعلق داشت در انتقاد تند و تهاجمی بر ضد دیگر جناح‌های افراطی بی‌پروا بود و برای به کار بردن خشونت در برابر آنان نظریه‌پردازی می‌کرد، و سرانجام با سلاحی که خودش از غلاف کشیده بود سرش را بریاد داد. از قراین پیداست که این روند ادامه دارد و در آینده شاهد قتل‌های انتقام‌جویانه بیش‌تری خواهیم بود. پرسش اساسی این است که چرا این گروه‌ها به این پیمان‌ها به خون همدیگر تشنه‌اند و این‌چنین بی‌رحمانه حساب‌های خود را با یکدیگر تصفیه می‌کنند؟

در دوران جمهوریت، همه گروه‌های افراطی در یک صف قرار گرفته بودند و میان شان قراردادی نانوشته وجود داشت که باید برای فروپاشی آن نظام همدستی کنند. شماری از این گروه‌ها مانند طالبان، القاعده، لشکر جنگهوی، سپاه صحابه، و لشکر طیبیه رسماً سلاح برداشته و روی به کشتار و ویران‌گری آورده بودند، و شماری دیگر مانند حزب تحریر، گروه پنج‌پیری، جمعیت اصلاح، و برخی از حلقات سلفی ترجیح می‌دادند که جهت برخورداری از مزایای اقتصادی و امکانات موجود در سایه نظام جمهوریت، شیوه تقیه را در پیش گرفته، به جای جنگ مستقیم با آن تمرکز خود را بر تبلیغات زهرآگین و مسموم‌سازی افکار عمومی بگذارند تا با سلب مشروعیت از نظام، زمینه فروپاشی آن را فراهم آورند. همدستی مستقیم و غیر مستقیم این گروه‌ها در براندازی نظام سابق قابل درک است، زیرا اهداف و آرمان‌های آنان مشترک است و تفاوت‌های شان تنها در امور فرعی است که در اصطلاح آنان امور اجتهادی گفته می‌شود. اما آنچه برای بسیاری از ناظران قابل درک نیست کینه و نفرتی است که این گروه‌ها در برابر یکدیگر دارند و آن را با خشن‌ترین شیوه‌ها بروز می‌دهند.

ریشه این تضاد و عداوت در انحصارگری ایدئولوژی‌های افراطی نهفته است که هر کدام از آن‌ها خود را مالک حقیقت مطلق پنداشته و بقیه را بر خطا می‌انگارد، و خطا در نظر آنان هنگامی که در حوزه دینداری و اعتقادات ایمانی باشد قابل تحمل نیست. رحیم الله حقانی به شدت بر سلفیان، پنج‌پیریان و سایر گروه‌های تندرو می‌تاخت که آنان اهل بدعت، یعنی منحرف از سنت و شیوه پیامبر اسلام هستند، درست همان گونه که سلفیان چنین اتهامی را بر دیوبندیان وارد می‌دانند. از آن سو، موضوعاتی مانند سنت و بدعت و مشاجرات کلامی به آن اندازه تفسیرپر دار است که هر گروهی به راحتی می‌تواند خود را مومن حقیقی و منطبق با سنت و هر گروهی جز خود را مسلمان منحرف و اهل بدعت و حتی مشرک به شمار آورد.

در جوامع دموکراتیک، قضایای ایمانی و اعتقادی مربوط به حریم خصوصی شهروندان دانسته می‌شود که ملاک قضاوت نیست، و کسی حق دخالت و تعرض به آن‌ها را ندارد. این تسامح و رواداری باعث می‌شود که حتی خود این عناصر افراطی زیستن در جوامع سکولار مانند ترکیه، قطر یا کشورهای غربی را هزار بار بر زیستن در سایه امارت اسلامی طالبان ترجیح دهند! آنان البته سال‌های طولانی با سبکی از زندگی می‌ستیزند که در پایان کار، با منافقتی آشکار، به آغوش پناه می‌برند یا دختران و پسران خود را به آغوش می‌فرستند. راه حل چنین بحران چند لایه و تو در تویی اولاً بازگشت به اخلاق و رهایی از منافقت است و ثانیاً بازگشت به دموکراسی که برای پیروان هر عقیده‌ای حقوق مساوی با دیگر شهروندان قابل است.

د پانو شمیره: له 1 تر 1

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ